

مرجع امنیت از دیدگاه امام خمینی(ره)

احترام سعادت فر*

چکیده

پرسش مقاله حاضر این است که مرجع امنیت از دیدگاه امام خمینی(ره) چیست؟ در ابتدا، مفهوم امنیت مطرح می‌شود. در آرای امام(ره)، امنیت تعریف نشده است؛ اما گزاره‌هایی در ضرورت امنیت وجود دارد. نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان‌نگر و عمیق است و به تعبیر دیگر، برای مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظامی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. در ادامه، برخی از مؤلفه‌های امنیت‌زا، مانند امنیت سیاسی، فرهنگی و غیره بیان می‌شود. در بحث امنیت سیاسی، دیدگاه‌های امام(ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و خارجی مورد توجه قرار داد. در زمینه سیاست داخلی، عواملی مانند جایگاه ولایت فقیه و رهبری، صیانت از اسلامیت نظام، پایگاه مردمی نظام و غیره، به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت مطرح می‌شود. در عرصه سیاست خارجی، عواملی وجود دارد، که از نظر امام(ره)، برگشتن از آن موارد، خیانت و اخلال در امنیت نظام است. در بحث امنیت فرهنگی، امام(ره) استقلال فکری و قطع وابستگی فرهنگی، عدم خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب و فرهنگ و هویت اسلامی را از عوامل ایجاد امنیت فرهنگی جامعه می‌داند. به نظر امام(ره) برای ایجاد امنیت اجتماعی، عناصر و عواملی، مانند استقرار عدالت اجتماعی، امنیت مسکن، شغل و غیره مؤثر است. در بحث امنیت اقتصادی، به دیدگاه‌های روشن امام(ره) درباره تعدیل حیات اقتصادی اشاره می‌شود. در ادامه، برخی از عوامل امنیت‌زدا به طور مختصر بیان می‌شود و سپس گونه‌شناسی مرجع امنیت (دولت، رژیم، فرد و جامعه) مطرح می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت که مرجع امنیت،

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)

در آرا و اندیشه امام(ره)، صورتی ترکیبی و چندگانه دارد و جامعه، رژیم و دولت را شامل می‌شود.

این مراجع، رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی با یکدیگر دارند.

واژه‌های کلیدی: امنیت، مرجع امنیت، امام خمینی(ره).

مقدمه

همواره، توسعه و پیشرفت جامعه و برخورداری از فرصت‌های اجتماعی، نیازمند بهره‌مندی از حداقلی از امنیت است. از این رو، امنیت، یکی از عناصر اصلی پیشرفت و تأمین و تضمین آزادی در جامعه است. امنیت از مقوله‌های بسیار مهم و رایج زندگی بشری از گذشته‌های دور تا امروزه بوده و علاوه بر پشت سر گذاشتن تحول‌های عمده در گذر زمان، نه تنها اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هر روز بر اهمیت آن افزوده شده و ابعاد وسیع‌تری یافته است. یکی از دلایل آن، این است که انجام بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی در نبود امنیت، ناممکن است. در نبود امنیت، آزادی نیز دست‌نیافتنی است. در این پژوهش، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که مرجع امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ بنابراین، برای رسیدن به پاسخ، ابتدا مفهوم امنیت از دیدگاه امام (ره) و سپس مؤلفه‌های امنیت از دیدگاه ایشان مطرح می‌شود و در ادامه، مرجع امنیت از نظر امام (ره) بررسی می‌شود.

مفهوم امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

در آرای امام خمینی (ره)، امنیت تعریف نشده است؛ اما گزاره‌هایی در اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. مسئله امنیت در مباحث امام خمینی (ره)، با واژه‌های مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، از جمله می‌توان از نبود تحمیل، زور و خشونت، رعب و ترس، حفظ جان و مال و غیره نام برد. از این رو، صرفاً نباید به دنبال واژه امنیت بود.

امام خمینی (ره) امنیت را یک نعمت تلقی کرده و در موارد متعددی آن را می‌ستاید، از جمله در یک مورد، علاوه بر مقایسه با نظام پهلوی، معتقد است که در نظام جمهوری اسلامی، امنیت مردم به

خوبی تأمین شده و دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان از حکومت و نهادهای منتسب به آن پایان یافته است:

«اینهایی که پنجاه و چند سال زیر شکنجه صبرکردند، حالا آزاد شدند. حالا دیگر ترس اینکه یک کسی بیاید بیخود بگیردشان ندارند. ترس اینکه یک نظامی بیاید بزند توی سرشان ندارند. یک نعمت بزرگی که به شما خداوند تعالی عنایت فرموده است که در منزلتان راحت می‌خواهید، ترس از سازمان امنیت ندارید، ترس از ارتش ندارید، ترس از حکومت ندارید» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۲۵۶).

ایشان در موارد مشابه دیگری نیز این مقایسه را انجام داده و بر این نکته تأکید کرده که دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد، که منشأ اصلی ناامنی، هراس و ترس عمومی در یک جامعه به شمار می‌رود، خبری نخواهد بود: «دیگر قضیه سازمان امنیت در کار نیست، زجرهای سازمان امنیت در کار نیست، دیگر نمی‌توانند پاسبان‌ها به ما زور بگویند و به ملت ما زور بگویند. دیگر نمی‌تواند دولت به ملت زور بگوید، دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمت‌گزار ملت باشد» (همان، ص ۴۶۳).

در این دیدگاه، امنیت برای مردم و در خدمت مردم است و دولت موظف است که ابزارهای ناامنی و تهدید را از جامعه بزدايد و در تأمین امنیت و تأمین سلامت و بهداشت روانی، ذهنی و فیزیکی افراد و گروه‌ها تلاش زیاد نماید. این مسئله می‌تواند سبب اعتماد و اطمینان مردم به حکومت شود و نیز مشروعیت آن را افزایش دهد و تهدیدهای داخلی و خارجی حکومت را بی‌اثر کند. به طور کلی، می‌توان گفت که امام(ره) شخصیتی بود که نه تنها امنیت و آسایش نظام ظالمانه شاهنشاهی را در ایران در هم ریخت؛ بلکه استکبار جهانی و استعمارگران شرق و غرب را در هم شکست و

مدعیان دروغین نظم نوین جهانی را رسوا کرد و جهانیان، به ویژه مستضعفان و ستم‌کشیدگان را به آرامش و امنیت در سایه عزت و اقتدار اسلام ناب محمدی (ص) دعوت نمود.

با مراجعه به راه امام (ره) و کلام آن بزرگوار می‌توان چنین برداشت کرد که نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان‌نگر و عمیق است و به تعبیر دیگر، برای مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظامی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد و به شکل ظاهری بسنده نمی‌کند.

در ادامه، برای آگاهی بیشتر در این باره به برخی از مؤلفه‌های امنیت که اهمیت ویژه‌ای دارند، مانند امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در اندیشه و افکار امام خمینی (ره) پرداخته می‌شود.

مؤلفه‌های امنیت‌زا در اندیشه امام خمینی (ره)

در این قسمت، برخی از مؤلفه‌های امنیت که اهمیت ویژه‌ای دارند، مانند امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

امنیت سیاسی

در بحث امنیت سیاسی، دیدگاه‌های امام (ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و خارجی مورد توجه قرار داد:

در زمینه سیاست داخلی، عوامل زیر به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت نظام جمهوری اسلامی قابل بحث است:

- جایگاه ولایت فقیه و رهبری؛

- صیانت از اسلامیت نظام؛

- پایگاه مردمی نظام؛

- رعایت اصل استقلال؛

- التزام به قانون (قانون‌گرایی) (سالار، ۱۳۸۵، ص ۵).

پرداختن به بحث مشروح هر یک از این محورها و شناخت دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، در مورد تک تک این موارد، در این مجموعه امکان‌پذیر نیست؛ بلکه ناچاریم به طور مختصر، اشاره‌ای داشته باشیم.

۱. جایگاه ولایت فقیه و رهبری

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نقش و جایگاه ولایت فقیه با توجه به پیام‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های متعدد ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست. برای نمونه، درباره اهمیت این اصل اساسی می‌فرماید: «بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۶۵).

همچنین می‌فرماید: «ولایت فقیه برای مسلمانان یک هدیه‌ای است که خدای تبارک و تعالی داده

است... ولایت فقیه برای شما یک هدیه الهی است» (همان، ج ۱۰، ص ۴۰۷).

ایشان شأن امنیتی این اصل مهم را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که اگر امر دولت اسلامی با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد» (همو، ۱۳۷۳، ص ۱۱۹).

همچنین می‌فرماید: «امروز و همیشه، وجود «ولی امر»، یعنی حاکمی که قیّم و برپا نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد. وجود حاکمی که مانع تجاوزها، ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد؛ امین، امانتدار و پاسدار خلق خدا باشد؛ هادی مردم به تعالیم، عقاید، احکام و نظامات

اسلام باشد و از بدعت‌هایی که دشمنان و ملحدان در دین و در قوانین و نظامات می‌گذارند جلوگیری کند» (همو، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

۲. صیانت از اسلامیت نظام

با مطالعه در سیره عملی و نظری حضرت امام خمینی (ره) استفاده می‌شود که در اندیشه ایشان، یکی از ارکان اساسی مشروعیت نظام، اسلامی بودن است؛ بنابراین، چه پیش از برقراری جمهوری اسلامی و چه پس از آن، همیشه اسلامی بودن نظام را به منزله موضوع امنیتی تلقی کرده و حفاظت از اسلامی بودن نظام را واجب و لازم دانسته‌اند: «اینکه به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به همه ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجب‌ها است» (همو، ۱۳۷۸، ص ۸).

از این رو، بر اساس آن همه تأکید و توصیه‌های امام بر حفظ مکتبی بودن و اسلامی بودن نظام، هر گونه تلاش و حرکتی برای طرح و حاکم ساختن الگوی غیر اسلامی، از آنجا که با جوهره ارزشی نظام جمهوری اسلامی تعارض دارد، به عنوان حرکت ضد امنیتی محسوب می‌شود و بر اساس اصل اول و دوم قانون اساسی، در حکم تهدید به حساب می‌آید و مقابله با آن ضروری است.

۳. پایگاه مردمی نظامی

حضرت امام (ره) در مشروعیت حکومت، همواره به دو رکن اسلامیت و جمهوریت اشاره کرده‌اند و تخلف از آن را به هیچ وجه جایز نمی‌دانند. از دیدگاه ایشان، حکومتی مشروعیت دارد که مبتنی بر قوانین و احکام اسلام و نیز متکی به رأی مردم باشد. ایشان در این باره می‌فرماید: «حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است، مثل سایر جمهوری‌ها و لکن قانونش قانون اسلام است»

(همو، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۴۷)؛ بنابراین، از نظر حضرت امام(ره)، اگر حکومت و حاکمان، رضایت و پذیرش مردمی داشته باشند، خداوند متعال هم از آنان راضی می‌شود. به همین علت است که ایشان حکومت اسلامی را حکومتی موافق مردم و موافق حکم خدا معرفی کرده‌اند (همان، ج ۴، ص ۴۶۰).

بر اساس نص صریح قانون اساسی و نیز اسلام سیاسی مورد نظر امام(ره)، اراده مردم در اداره امور جامعه باید دخالت داشته باشد و بدون تکیه حکومت بر اراده و رأی مردم، مشروعیت حکومت مورد تأمل خواهد بود. از این رو، ایشان همواره مردم را دارای حق دانسته و مسئولان را نسبت به ادای حقوق مردم سفارش نموده‌اند.

برای روشن شدن دیدگاه امام(ره) در این باره به موارد زیر به طور خلاصه اشاره می‌شود:

الف. مردم و حق تعیین سرنوشت

امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد» (همان، ج ۳، ص ۵۰۳).

همچنین ایشان تأکید می‌کنند که: «هر کسی، هر جمعیتی، هر اجتماعی، حق اولی‌اش این است که خودش انتخاب بکند، یک چیزی را که راجع به مقدرهای مملکت خودش است» (همان، ج ۴، ص ۴۹۲).

ب. مردم و آزادی اراده و انتخاب

به اعتقاد امام(ره)، حکومت اسلامی دقیقاً حکومتی مطابق با این اصل عقلی و شرعی است؛ زیرا که حکومت اسلامی و حکومت عدل، حکومتی است که «تابع مردم»، «برای مردم» و مبتنی بر «رأی مردم» است (همان، ج ۵، ص ۵۴۸).

ایشان در مورد انتخاب آزاد مردم نیز بیان‌های متعددی دارند و معتقدند که این انتخاب باید آزادانه باشد: «همان طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای، حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود، جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، حتماً قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند» (همان، ج ۲۱، ص ۱۰).

ج. مردم و لزوم مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی

در اندیشه سیاسی امام(ره)، مردم به عنوان شریک بزرگ حکومت، نقش کلیدی و محوری در ارکان نظام و اداره کشور دارند: «بدون اینکه این ملت همراهی کند، ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم. هر چی داریم از اینهاست و هر چی هست، برای اینهاست؛ دولت عامل اینهاست، قوه قضائیه عامل اینهاست، قوه اجراییه عامل اینهاست، قوه مقننه عامل اینهاست» (همان، ج ۲۰، ص ۵۵).

«... از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری، کشاورز، کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتیه و چه بسا که در بعضی مقاطع عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است» (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۲).

از دیدگاه ایشان، عدم مشارکت در امور سیاسی جامعه، گاه از گناهان بزرگ نابخشودنی تلقی می‌شود و باعث مؤاخذه در این دنیا و در جهان آخرت خواهد بود. علاوه بر این، سلطه بیگانگان را بر ثروت‌ها، امکانات و فرهنگ کشور و جامعه به دنبال خواهد داشت (همان).

۴. رعایت اصل استقلال

نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی با هویت مستقل اسلامی و ملی دارد. حفاظت و پاسداری از استقلال و میثاق ملی که با پرداخت بهای سنگین به دست آمده است، به عنوان بخشی از رسالت امنیتی محسوب می‌شود. بر این اساس، در اصل نهم قانون اساسی، صیانت از استقلال و تمامیت ارضی به منزله وظیفه مهم و اصلی حکومت تلقی شده و هر گونه فعالیتی که به نوعی استقلال و میثاق ملی را تهدید نماید، غیر مشروع و اخلال به امنیت کشور خوانده شده است. امام بزرگوارمان همواره مردم را به پاسداری از این نعمت بزرگ توصیه نموده و در یکی از سخنان خویش می‌فرماید: «باز سفارش می‌کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق و غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند، یا رفاه و مصرف‌گرایی یا تحمل سختی و استقلال و این مسئله ممکن است که چند سالی طول بکشد؛ ولی مردم یقیناً دومین راه را که استقلال؛ شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد» (همان، ص ۷۱).

«اگر کشوری بخواهد امنیت را توأم با استقلال کامل تأمین کند، کار مقداری مشکل و سخت خواهد بود. به ویژه کشوری که دارای آرمان‌ها و ارزش‌های مقدس بوده و مایل است هویت مستقل اسلامی و ملی خود را حفظ کند. برای کشوری که می‌خواهد در بعد سیاسی دارای استقلال کامل بوده و خود تصمیم‌گیرنده باشد و جلوی دخالت‌های نابجای دیگران را بگیرد و در بخش اقتصادی به جای منافع مشترک به دنبال منافع خود باشد، تأمین امنیت دشوارتر خواهد بود و جامعه هم بار سنگین‌تری را بر دوش خواهد کشید. چنین کشوری دارای دشمنان فراوانی در سطح جهان و منطقه خواهد بود» (روحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۷).

در اندیشه سیاسی امام(ره) هر گونه وابستگی و دخالت اجانب در مقدرات ملت‌ها، اعم از وابستگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی، خودباختگی و احساس حقارت در

برابر فرهنگ بیگانه غربی، به عنوان عوامل ناامنی و موانع استقلال و خودکفایی می‌باشد و از دیدگاه امام(ره) محکوم است.

۵. التزام به قانون

یکی دیگر از عوامل ایجاد نظم و امنیت در جامعه، قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی است. اگر قانون نباشد، جامعه دچار هرج و مرج می‌شود؛ در آن صورت، هیچ موجودی امنیت ندارد. امام(ره)، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون عدل الهی دانسته و به اعتقاد ایشان، «همه در سایه قانون با امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۶۲).

همچنین امام(ره) همه مردم و مسئولان را به رعایت قانون اساسی و ضوابط اسلامی فراخوانده و می‌فرماید: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید و لو برخلاف رأی شما باشد، باید بپذیرید برای اینکه میزان اکثریت است... من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم، مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد،... ما هم می‌پذیریم» (همو، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۳۷۷).

در زمینه سیاست خارجی، دیدگاه‌های امام خمینی(ره) را می‌توان به صورت محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

۱. اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر؛

۲. روابط پسندیده، مدارا و مسالمت‌آمیز؛

۳. اصل آزادی، استقلال و منافع ملی؛

۴. نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛

۵. نفی ظلم و ظلم‌پذیری؛

۶. اصل نه شرقی، نه غربی؛

۷. دفاع از کیان اسلام و مسلمانان؛

۸. دفاع از مستضعفان و مظلومان (سالار، ۱۳۸۵).

امام راحل (ره) در مورد سیاست خارجی و روابط بین‌المللی نیز بر نفی وابستگی سیاسی و سیاست نه شرقی، نه غربی و حفظ مصالح اسلام و مسلمانان تأکید دارند و در پیام‌ها، سخنرانی‌ها و فرمایش‌های خویش، روی محورهای ده‌گانه که یادآور شدیم، تکیه می‌کردند و تخلف و برگشت از این سیاست را خیانت و اخلال در امنیت و استقلال نظام می‌دانستند.

ایشان در پاسخ به نامه رؤسای قوای سه‌گانه که در تاریخ ۶۷/۷/۱۱ ارسال نمودند، این گونه

فرمودند: «بر هیچ یک از مردم و مسئولان پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر

پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و برگشت از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمانان

و باعث از بین رفتن عزت، اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود» (امام خمینی،

۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۵۵).

امنیت فرهنگی

امام خمینی (ره)، با تأکید بر اینکه فرهنگ در موجودیت و حیات هر جامعه‌ای نقش اساسی و

محوری دارد و اصلاح فرهنگ در رأس همه اصلاح‌ها به شمار می‌آید، از جمله دستاوردهای انقلاب

اسلامی را برقراری فرهنگ استقلالی در جامعه توسط دانشگاه مستقل و حوزه می‌دانستند.

برقراری نظم و امنیت فرهنگی بر اساس استقلال فکری، قطع وابستگی فرهنگی و جایگزین کردن

فرهنگ مستقل اسلامی - ایرانی، از وظایف دولت اسلامی است.

دولت موظف است که مقدمه و بسترهای لازم را برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه فراهم نماید و بر اساس قانون اساسی، ابزار و امکانات مورد نیاز مردم را از تحصیلات ابتدایی گرفته تا آموزش عالی آماده کند. بند سوم از اصل سوم قانون اساسی، نیز بر این مطلب تصریح می‌کند.

در اندیشه سیاسی امام(ره)، بر ضرورت استقلال فکری و فرهنگی و عدم قبول وابستگی تأکید شده است: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی، قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ، پوک و میان تهی است» (همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

همچنین ایشان می‌فرماید: «اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، به ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه‌ای از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد. ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است» (همان).

از مجموعه فرمایش‌ها و پیام‌های امام(ره) در مقوله فرهنگ و امنیت، می‌توان استفاده کرد که راه رسیدن به استقلال فرهنگی، پایان دادن به فرهنگ بیگانه و بازگشت به اصالت خویش و هویت اسلامی است. خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب و بیگانه شدن از خویش باعث تزلزل فرهنگی و اخلاقی خواهد شد و امنیت و ثبات فرهنگی جامعه را به خطر می‌اندازد.

حضرت امام(ره)، برای اصلاح فرهنگ جامعه و حفظ و حراست از حریم علم و دانش، بر تربیت، تزکیه و تهذیب نفس تأکید دارد و پیشرفت حقیقی را در سایه تخصص و تعهد اسلامی می‌داند: «باید

آنهایی که به این کشور علاقه دارند، آنهایی که به این ملت علاقه دارند، آنهایی که خودشان وابسته نیستند و خدمت‌گزار ابرقدرت‌ها نیستند، آنها همت کنند به اینکه دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد، که همه تخصص‌ها در خدمت خود کشور باشد، نه اینکه متخصص بشود و با آن تخصصش ما را به دامن آمریکا بکشد، متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند» (همان، ج ۱۳، ص ۲۰۹-۲۱۱).

«صدمه‌هایی که بر مملکت، وارد می‌شود، غالباً از این متفکران بی‌پرورش، آموزش‌های بی‌پرورش واقع می‌شود، علم را تحصیل می‌کنند، لکن تقوی ندارند» (همان، ص ۱۸۴).

امنیت اجتماعی

برای استقرار نظم و امنیت اجتماعی، عناصر و عوامل مختلفی لازم است که در اینجا به بررسی برخی از آنها در افکار و اندیشه امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

۱. استقرار عدالت اجتماعی

برقرار کردن عدالت در جامعه، یکی از اهداف مهم حکومت پیامبران الهی و امامان معصوم است و یکی از پایه‌های اساسی امنیت به شمار می‌آید.

امام خمینی (ره) عدالت اجتماعی را بهترین وسیله جلب اعتماد مردم و موفقیت دولت‌ها می‌داند و می‌فرماید: «هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کنند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی موفق به تشکیل حکومت شود، مانند رسول اکرم (ص) و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند» (همو، ۱۳۸۱، ص ۵۹-۶۰) و در جای دیگر، حکومت اسلامی را حکومت عدل و عدالت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «... در جمهوری اسلامی برای فقیران فکر رفاه

خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت سایه می‌افکند»
(همان).

از نظر امام خمینی (ره) برقراری قسط و عدل، تمام خیرها و خوبی‌ها را برای فرد عادل و برای جامعه عادل به بار می‌آورد. چنین جامعه‌ای، امنیت دارد؛ بنابراین، افرادش طمأنینه و اطمینان خواهند داشت: «... در یک محیط آشفته نمی‌شود که اهل عرفان، عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه، فلسفه‌شان را، اهل فقه، فقه‌شان را؛ لکن وقتی حکومت، یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت‌طلب‌ها به مقاصد خودشان برسند، یک محیط آرام پیدا می‌شود. در این محیط آرام، همه چیز پیدا می‌شود» (همو، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۵۲۵).

۲. امنیت مسکن و شغل

از دیدگاه اسلام و امام (ره)، امنیت تنها در مورد جان، مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تأمین شغل، مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (قانون اساسی، اصل ۲۲). اسلام ورود بدون اجازه به مسکن دیگران را ممنوع نموده و تعرض می‌داند، حتی نگاه کردن به داخل خانه و محل سکونت پوشیده شده مردم را جایز نمی‌داند، تا آنجا که اگر شخص متعرض، به هنگام دفاع صاحب خانه به قتل برسد، خونش مهدور است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۱۴۰). حضرت امام (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خطاب به مسئولان نظام درباره امنیت شغلی و عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد می‌فرماید: «ما نباید ظلم کنیم؛ یعنی تفتیش نماییم که در داخل خانه‌های مردم چه می‌گذرد، کسی هم حق ندارد عشرتکده و یا قمارخانه درست کند. در حکومت

اسلامی با این گونه امور مبارزه می‌شود. ما می‌خواهیم احکام خدا جاری شود، آن طرفش هست، این طرفش هم هست. آن طرف که نباید با مردم بدرفتاری کرد، نباید داخل منازل مردم ریخت، مردم باید در خانه‌هایشان مطمئن باشند، در زندگی‌شان، کسب و تجارتشان اطمینان داشته باشند. دولت اسلامی موظف است مردم را در همه چیز مطمئن نماید؛ در سرمایه‌هایشان در کسب و کارشان. دولت حق ندارد به آنها تعدی نماید و اگر کسی تعدی کرد، تأدیب خواهد شد. از آن طرف هم اگر کسانی که مخالف اسلام هستند، بخواهند تجاهر به فسق نمایند، آنها هم تأدیب خواهند شد» (همان، ج ۱۷، ص ۱۶۱-۱۶۲).

۳. مبارزه با مفاسد و انحراف‌های اجتماعی

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. امام (ره) آن دسته از افرادی که انحراف اخلاقی دارند و جامعه را به فساد و تباهی می‌کشانند، به عنوان غده سرطانی معرفی کرده و معتقدند: آن که جامعه را فاسد می‌کند، و دست از فسادهایش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند (امام خمینی، ص ۸۲).

امنیت اقتصادی

دولت اسلامی برای استقرار ثبات، امنیت و رفاه اجتماعی وظیفه دارد که از راه درآمدهای عمومی و پرداخت حق بیمه بازنشستگی، زندگی افراد کهنسال، از کار افتاده و محرومان جامعه را تأمین نماید و مشکل بزرگ بیکاری را با اجرای طرح‌های اشتغال برطرف کند. امام (ره) دربارهٔ تعدیل حیات اقتصادی، دیدگاه‌های سازنده و روشنی دارند که برای رعایت اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. اسلام عامل تعدیل ثروت

امام خمینی(ره) در این باره تأکید می‌کند که اسلام برای برقراری حکومتی عدل‌گستر آمده است، چرا که در این آیین، قوانین مربوط به امور مالی، مانند مالیات، بیت‌المال و شیوه جمع‌آوری مالیات از همه اقشار و طبقه‌های جامعه، به طرز عادلانه‌ای تدوین و تنظیم شده است (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۲۰). ایشان با بیان اسلام به عنوان عامل تعدیل ثروت می‌فرماید: «اسلام است که جلوی منافع شخصی را می‌گیرد، اسلام است که نمی‌گذارد این گردن کلفت‌ها زندگی اشرافی بکنند، یک زندگی آن‌طور که دلشان می‌خواهد بکنند، اسلام تعدیل می‌کند» (همو، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۷۰).

۲. خودکفایی در بخش کشاورزی

بنا به اعتقاد امام(ره) خودکفایی در کشاورزی، اساس استقلال است و سبب قطع وابستگی سیاسی خواهد شد: «توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچک‌ترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد؛ بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئولان بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی، مهار آب‌ها، ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمت‌های بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر است» (همان، ج ۲۱، ص ۱۵۸).

۳. فقرزدایی

فقر و محرومیت‌زدایی برای تحقق عدالت اجتماعی همواره مورد تأکید امام راحل(ره) بوده و در این باره می‌فرماید: «آرمان و آرزوی همه ملت، دولت و مسئولان کشور ماست که روزی فقر و تهی‌دستی در جامعه ما رخت بر بندد و مردم عزیز، صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولان کشور ما، پشت کردن به

دفاع از محرومان و روی آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و توجه بیشتری برخوردار بشوند» (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱).

امام(ره) با اشاره به زندگی رقت‌بار قشر عظیمی از مستضعفان جامعه برای سامان بخشیدن به وضع مسکن و مشکل زمین چنین می‌فرماید: «...این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد. مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند...» (همان، ج ۶، ص ۵۱۹).

با مطالعه و بررسی اندیشه امام در بعد اقتصادی، دو نکته اساسی توجه ما را به خود جلب می‌کند:
الف. محاصره اقتصادی سبب شکوفایی مغزها می‌شود.

ب. ملت ایران عزت خود را با رفاه وابسته به اجانب عوض نمی‌کند.

برای روشن شدن مطلب، عین سخنان آن حضرت را در اینجا می‌آوریم: «وقتی که محاصره اقتصادی بشود، افکار همه مردم توجه به این پیدا می‌کند که ما باید خودکفا باشیم و متخصصان ما مشغول می‌شوند و افکار خودشان را به راه می‌اندازند و قدرت خودشان را به راه می‌اندازند و ایران را از خارج بی‌نیاز می‌کنند. من به شما اطمینان می‌دهم که اگر تا یک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می‌کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران بیشتر به کار می‌افتد و ایران را خودکفا می‌کند» (همان، ج ۱۶، ص ۱۰۴).

همچنین امام(ره) عزت و سعادت را در سایه ایستادگی و تحمل سختی‌ها می‌داند و می‌فرماید: «من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کند» (همان، ج ۲۱، ص ۲۰۰).

مؤلفه‌های امنیت‌زدا از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره)، علاوه بر توجه به عوامل امنیت‌زدا در گفتارها و مواضعشان، مؤلفه‌های امنیت‌زدا را نیز مورد اشاره قرار داده‌اند که برخی از آنها به طور فهرست‌وار بیان می‌شود.

مؤلفه‌ها و عوامل امنیت‌زدا در بعد امنیت سیاسی عبارت است از:

- وابستگی به بیگانگان؛

- فاصله‌گیری از طبقه‌های محروم جامعه؛

- تفرقه و تعارض بین اقشار اجتماعی و گروه‌های سیاسی؛

- قانون‌گریزی و بی‌ثباتی سیاسی؛

- ترس از ابرقدرت‌ها (کریمی مله، ۱۳۸۴).

مؤلفه‌ها و عوامل امنیت‌زدا در بعد امنیت فرهنگی - اجتماعی عبارت است از:

- ضعف انسجام ملی؛

- ضعف هویت دینی و ملی؛

- وابستگی فکری - فرهنگی نهادها؛

- ضعف تبلیغاتی؛

- بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم؛

- ناکارآمدی و بدکاری گروه‌های مرجع (روحانیان و روشنفکران) (همان).

مؤلفه‌ها و عوامل امنیت‌زدا در بعد اقتصادی از نظر امام خمینی (ره) عبارت است از:

- وابستگی اقتصادی؛

- بی‌کاری و کم‌کاری نیروهای مولد؛

- مصرف‌زدگی و واردات بی‌رویه کالاهای خارجی؛

- طمع‌ورزی و دست‌اندازی بیگانگان بر ذخایر و منابع استراتژیک کشور؛

- بی‌توجهی به اقتصاد و زندگی مردم (همان).

مرجع امنیت

نیاز به امنیت و رفتار امنیت‌جویانه، قدیمی‌ترین نیاز آدمی و از حیاتی‌ترین اهداف اجتماع‌های انسانی در اشکال مختلف خانوادگی، قبیله‌ای، امپراطوری، دولت-ملت و نظام جهانی بوده است؛ اما کاوش نظری ابعاد مختلف آن، قدمت چندانی ندارد و حداکثر به آغاز جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰م. باز می‌گردد.

این مفهوم با پیچیدگی‌هایش، پرسش‌های بسیاری را به اذهان متبادر کرده است. یکی از پرسش‌هایی که ذاتی مفهوم امنیت بوده و پاسخ به آن باعث ابهام‌زدایی و روشن‌شدن مطلب می‌شود، مفهوم «مرجع امنیت» است؛ زیرا اولین سؤالی که به محض شنیدن واژه امنیت تصور می‌شود، «امنیت چه کسی؟ یا امنیت کدام واحد؟» است.

در این قسمت از پژوهش، نگارنده درصدد پاسخ‌یابی برای این پرسش است که «مرجع امنیت» در

اندیشه امام خمینی (ره) چیست؟

گونه‌شناسی مرجع امنیت

با وجود اذعان به نبود اجماع و اتفاق نظر بین امنیت‌پژوهان درباره مرجع امنیت، می‌توان مراجع زیر

را برای امنیت برشمرد:

۱. دولت: باری بوزان، علاوه بر تأکید بر مرجعیت دولت در امنیت، سه دسته از تهدیدهای امنیتی را برمی‌شمارد: تهدیدهایی که متوجه ایده دولت (ناسیونالیسم) است؛ تهدیدهایی که متوجه وجود فیزیکی و مادی دولت (جمعیت و منابع) است؛ تهدیدهایی که سازمان دولت (سیستم سیاسی) را هدف قرار می‌دهند. تقسیم‌بندی بالا نشانگر محور بودن دولت است (افتخاری، ۱۳۸۱، ص ۴۵).
۲. رژیم: نیکوبال، رژیم حاکم را به عنوان مرجع امنیت می‌داند. در ادبیات این گروه از متفکران، رژیم امنیتی به گونه‌ای تعریف و تحدید می‌شود که هدف از آن، «صیانت از حکومت» و نه «صیانت از شهروندان» است (همان، ص ۴۶).
۳. فرد: سومین گروه، شامل اندیشمندانی می‌شود که «فرد» را به عنوان مرجع امنیت معرفی می‌کنند. براساس این دیدگاه، طیف متنوعی از تهدیدها را می‌توان فهرست کرد که محور آنها «فرد» است. کن بوث، در همین باره می‌گوید: «رهایی از سلطه به معنای واقعی‌اش، یعنی آزاد گشتن مردم (منظور افراد و گروه‌ها) از فشارهای فیزیکی و انسانی‌ای که ایشان را از انجام هر آنچه که مایل به اجرای آن هستند، باز می‌دارد... در واقع، رهایی از سلطه و نه قدرت یا نظم است که امنیت را برای ما به ارمغان می‌آورد. رهایی از سلطه از حیث نظری، همان امنیت است» (همان، ص ۴۷).
۴. جامعه: از دیدگاه اندیشمندان جامعه‌محور - که در تاریخ تحول امنیت پژوهشی، متأخر به نظر می‌رسد- مرجع اصلی امنیت، نه فرد، دولت یا رژیم، بلکه جامعه است. این دیدگاه، به جای تکیه بر اقتدار یا قدرت، امنیت اجتماعی و هویت را جانشین آن می‌داند و به دست آوردن امنیت را در گروی تثبیت و تقویت عقاید، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و حفاظت از صورت‌بندی الگوهای سستی، زبان، گویش و غیره می‌داند (کریمی مله، ۱۳۸۴، ص ۷۷۲).

از نظر جامعه‌گرایان، تأمین رضایت مردم، تحقق عدالت و برابری اجتماعی، شرط لازم دستیابی به صلح، ثبات و امنیت پایدار تصور است (همان).

مرجع امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

با توجه به مؤلفه‌های امنیت‌زا و عوامل امنیت‌زدا، که در صفحه‌های قبل بیان شده، می‌توان مرجع امنیت را در اندیشه امام خمینی (ره) شناسایی کرد و به این سؤال پاسخ داد که مرجع امنیت از نظر امام (ره) کدام است؟

عوامل مقوم امنیت و عناصر تهدیدزا نسبت به آن در آرا و گفتار امام (ره)، بر گزاره‌های زیر دلالت می‌کند:

۱. نفس کثرت‌انگاری در مؤلفه‌های امنیت‌زا و امنیت‌زدا، به این نکته رهنمون می‌شود که مرجع امنیت سویه‌ای جامعه‌گرایانه و مردم‌محور بیابد؛ زیرا بسیاری از تهدیدهای امنیت متوجه موجودیت و بقای جامعه یا ارزش و ویژگی‌های هویتی آن است. علاوه بر این، استحکام و انسجام اجتماعی، رضایتمندی مردم، ارزش‌مداری و دین‌گرایی جامعه، قوام و پایایی امنیت را به همراه دارد (همان).

۲. امنیت‌شناسی امام، سویه‌ای دین‌گرایانه دارد و صرفاً از خاستگاه سیاسی قدرت‌محور نشأت نمی‌گیرد. دین‌گرایی از دو جهت با تعیین و شناسایی مرجع امنیت پیوند می‌یابد. از یک سو، با وسعت بخشیدن به جغرافیای کارکردی دولت اسلامی، امنیت و ناامنی آن را با امنیت و ناامنی امت اسلامی و حتی جهان محرومان گره می‌زند و از سوی دیگر، باعث می‌شود که جامعه را به طور عام، امنیت فرهنگی را به طور خاص و ممیزه‌های دینی را به طور اخص در مرکز ثقل مرجع شناسی امام قرار دهد. بنابراین، تهدیدهای امنیتی و عوامل مقوم امنیت در نسبتی که با دین و نقشی که در تقویت

دین‌باوری و التزام جامعه به آموزه‌های دینی یا تضعیف اعتقادی-التزامی به آن بازی می‌کند، فهم و سنجش می‌شود؛ به بیان دیگر، صرف دین‌باوری یا دینی‌نگری امنیت، جامعه‌محوری در مرجع امنیت را به دنبال دارد (همان، ص ۷۷۹).

در همین باره، امام(ره) می‌فرماید: «اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است و احکام حقوقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجب‌ها است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۰۰).

۳. مرجع امنیت، در آرا و اندیشه امام(ره)، وجهه‌ای ترکیبی و چندگانه دارد و جامعه، نظام و دولت را شامل می‌شود. این مراجع، رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی با یکدیگر دارند.

بر اساس مبانی معرفت‌شناسانه امام خمینی(ره)، موضوع‌هایی، مانند مرزداری در فقه اسلامی، اصل استقلال‌طلبی، پذیرش اصل دیپلماسی در اسلام و بسیاری قواعد دیگر، بر پذیرش ایده دولت-ملت، مفهوم سرزمین و وطن-کشور در منظومه فکری امام(ره) دلالت دارد که توجه به مفاهیمی، مانند امنیت، منفعت و مصلحت ملی را در افکار ایشان معنادار می‌نماید.

دلالت‌های این قواعد و اصول چنین می‌نمایند که تأمین امنیت دولت اسلامی و پرهیز از اختلال در ارکان آن و تهدیدهای متوجه آن، دولت را در اندیشه امنیتی امام(ره)، به عنوان یکی از مراجع امنیت معرفی می‌نماید (کریمی مله، ۱۳۸۴، ص ۷۸۰).

مرجع دیگر امنیت در آرای امام(ره)، جامعه است که از نظر رتبه، بر سایر مراجع تقدم و برتری دارد و از میان ابعاد فرهنگی-اجتماعی امنیت، نقش محوری به دین و شناسه‌های هویتی، ارزشی و ویژگی‌های اعتقادی و میزان التزام عملی به هنجارهای دینی تعلق می‌گیرد و اساساً اسلام هم توان‌افزا

و در نتیجه، امنیت‌ساز تلقی شده و هم آماج اصلی و نخستین تهدیدکنندگان امنیت جامعه به شمار می‌رود. علاوه بر این، تضعیف و استحاله اسلام، جدی‌ترین تهدید هویت جامعه اسلامی ارزیابی شده و فرصت‌سازی، قدرت‌آفرینی و امنیت‌زایی و یا متقابلاً فرصت‌سوزی و امنیت‌زدایی سایر مؤلفه‌ها در نسبت آن با اسلام مورد سنجش قرار می‌گیرد. برای مثال، اسلام با انسجام‌بخشی و یکپارچه‌سازی نیروهای اجتماعی و افزایش قابلیت بسیج سیاسی شهروندان و ارتقای روحیه ملی، سهم بسزایی در بالا بردن ضریب امنیتی جامعه ایفا می‌کند و فاصله‌گزینی جامعه از ارزش‌های اسلام باعث جدی‌ترین آسیب و تهدیدهای امنیت می‌شود (همان). در همین راستا، امام خمینی (ره) اذعان داشتند: «تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و اسلام را حفظ کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۲۵۱)؛ «وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام و متعهد به احکام اسلام باشیم» (همان، ج ۱۹، ص ۳۲۶)؛ «من اطمینان دارم که تا این ملت توجه به خدا دارد، هیچ قدرتی نمی‌تواند به آن آسیب برساند» (همان، ج ۱۵، ص ۲۱).

علاوه بر این، در رویکرد امنیتی جامعه‌محور امام (ره)، «مردم» موقعیتی کلیدی دارند و ترکیب آن با دین‌باوری، باعث قوی‌ترین عامل امنیت و ناهمراهی آن با دیانت، دولت و حکومت، سبب جدی‌ترین آسیب و تهدید امنیتی می‌شود. پاسخ‌گویی به مطالبه‌های چند لایه مردم و در نهایت، تأمین رضایتمندی آنان، هدف اصلی سیاست‌گذاری‌های امنیتی و مشارکت همراه با بصیرت آنان در امور اجتماع و سیاست، حمایت پیوسته از ارکان حکومت و دولت و نظارت مستمر آنان بر عملکرد کارگزاران، از اساسی‌ترین راهکارهای تأمین امنیت به حساب می‌آید؛ به گونه‌ای که بدون حمایت و پشتیبانی ملت از حکومت و دولت، ارکان امنیت استوار نمی‌شود (کریمی مله، ۱۳۸۴، ص ۷۸۱).

با توجه به نقش تعیین‌کننده مردم در امنیت‌سازی است که امام(ره) چندین بار و در مناسبت‌های مختلف، همه را به آن توجه داده و بیان داشتند: «وقتی یک کشور آسیب می‌بیند که ملتش راجع به آسیب‌ها بی‌تفاوت باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۱۶۰)؛ «... تا این مردم را دارید، خوف اینکه بتوانند به شما آسیب برسانند، هیچ نداشته باشید...» (همان، ج ۱۵، ص ۳۵۶)؛ «مردم نباید کنار بروند، اگر مردم کنار بروند، همه شکست می‌خوریم» (همان، ج ۱۸، ص ۲۴۳)؛ «اگر با ملت خوش‌رفتاری کردید و جهات اسلامی را رعایت کردید، این ملت‌ها همراه شما هستند. آن وقت آسیب‌ناپذیر هستید» (همان، ص ۵۹). یکی دیگر از مراجع امنیت در آرای امام(ره) که قابل کشف و فهم می‌باشد، رژیم یا نظام است. اگر چه از نظر مفهومی، در قاموس علم سیاست، بین آن دو تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما با اندکی تأمل می‌توان گفت که منظور امام(ره) از ضرورت حفظ نظام جمهوری اسلامی، همان رژیم به معنای مصطلح آن است، نه چیزی غیر از آن. بقا و دوام نظام جمهوری اسلامی از نظر امام(ره)، چنان اهمیت و مرکزیتی دارد که می‌توان برای حفاظت از آن، احکام اولیه شرعیه را نیز تعطیل نمود. البته قابل توجه است که دلیل انتخاب رژیم به عنوان مرجع امنیت از سوی امام(ره) به خاطر نسبت ایزاری است که با اسلام برقرار می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی به منزله اولین تجربه استقرار نظام سیاسی دینی در عصر غیبت، ایزاری برای عملیاتی کردن آموزه‌های شریعت و دیانت به شمار می‌رود و تلاش برای تأمین امنیت آن به منزله فعالیت برای تقویت بنیادهای دین و متقابلاً اقدام برای تضعیف یا تهدید امنیت آن به عنوان تهدید ارکان شریعت است (کریمی مله، ۱۳۸۴، ص ۷۸۲). ایشان با اشاره به این نکته بیان کردند: «اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آن چنان منزوی خواهد شد که تا ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۹۵).

۴. سه مرجع امنیت در نظر امام(ره)، با یکدیگر هم‌پوشی داشته و مکمل هم به شمار می‌روند. از دیدگاه امام(ره)، چون حکومت، مقبولیت وسیع مردمی و پایگاه گسترده اجتماعی دارد، تفکیک بین امنیت رژیم و امنیت جامعه به گونه‌ای که در رژیم‌های غیر دموکراتیک به اذهان متبادر می‌شود، امکان‌پذیر نیست؛ بلکه آن دو رابطه‌ای التزامی با یکدیگر دارند. به این معنا که نبود یا تضعیف پشتوانه مردمی حکومت و میزان مقبولیت مردمی آن، جدی‌ترین تهدیدهای امنیت را به دنبال دارد. از سوی دیگر، حکومت نقش ابزاری نسبت به جامعه، دیانت اسلام و تحقق اهداف آن ایفا می‌کند؛ به این مفهوم که اتصاف هر چه بیشتر حکومت به صفت دینی و التزام همه جانبه‌تر به تعالیم و احکام آن، ضامن امنیت و عاری شدن آن از وصف دینی، اساسی‌ترین تهدید امنیتی فرض می‌شود. علاوه بر این، «دولت» نیز با وصف اسلامی در ردیف دارالاسلام قرار می‌گیرد؛ بنابراین، حفظ امنیت آن در مقابل تهدیدهای دشمنان ضروری و حتمی می‌شود. با این توضیح، می‌توان گفت که علاوه بر پذیرش رابطه دیالکتیکی بین سه مرجع اصلی امنیت، یعنی جامعه، دولت و رژیم، مرجع جامعه با لحاظ دو مؤلفه برجسته آن، یعنی «دین و مردم» از لحاظ رتبی بر دو مرجع دیگر، یعنی دولت و رژیم اولویت و اصالت دارد و با آن دو، رابطه‌ای غایی- آلی برقرار می‌کند. در این منطق، جامعه قوی، منسجم، مشارکت‌جو، ناظر، هویت‌دار، رضایتمند و دین‌باور، ضامن امنیت خود، دولت و رژیم شناخته می‌شود (کریمی مله، ۱۳۸۴، ص ۷۸۳).

نتیجه‌گیری

این مقاله درباره مفهوم امنیت از دیدگاه امام خمینی(ره) بود. در آرای امام(ره)، امنیت تعریف نشده است؛ اما گزاره‌هایی در اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. در واقع، با مراجعه به بیان‌ها و آثار

امام(ره) می‌توان چنین برداشت کرد که نگاه ایشان به مفهوم امنیت، نگاهی کلان‌نگر و عمیق است. به تعبیر دیگر، برای مقابله با هرج و مرج و ناامنی، هر نظامی را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. در ادامه، به برخی از مؤلفه‌های امنیت که اهمیت ویژه‌ای دارند، مانند امنیت سیاسی، فرهنگی و غیره در اندیشه امام(ره) پرداخته شد. در بحث امنیت سیاسی، دیدگاه‌های امام(ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و خارجی مورد توجه قرار دارد. در زمینه سیاست داخلی، عواملی مانند: جایگاه ولایت فقیه و رهبری، صیانت از اسلامیت نظام، پایگاه مردمی نظام، رعایت اصل استقلال، التزام به قانون، به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت مورد بحث قرار گرفت. در زمینه سیاست خارجی، عواملی که از نظر امام(ره) می‌تواند در برقراری امنیت مؤثر باشد، فهرست‌وار بیان شد که از نظر امام(ره) برگشت از آن موارد، خیانت و اخلال در امنیت و استقلال نظام است. در بحث امنیت فرهنگی، حضرت امام(ره) استقلال فکری و قطع وابستگی فرهنگی، عدم خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب و فرهنگ و هویت اسلامی را از عوامل ایجاد امنیت فرهنگی جامعه می‌داند. برای ایجاد امنیت اجتماعی، عناصر و عواملی مانند: استقرار عدالت اجتماعی، امنیت مسکن و شغل و مبارزه با مفسد و انحراف‌های اجتماعی، مؤثر است که به طور مختصر به آنها پرداخته شد. همچنین در بحث امنیت اقتصادی، حضرت امام(ره) درباره تعدیل حیات اقتصادی، دیدگاه‌های سازنده و روشنی دارند که به برخی از آنها، مانند اسلام عامل تعدیل ثروت، خودکفایی در بخش کشاورزی و فقرزدایی اشاره شد. همچنین در ادامه، عوامل امنیت‌زدا به طور فهرست‌وار بیان گردید سپس گونه‌شناسی مرجع امنیت (دولت، رژیم، فرد و جامعه) مطرح شد. مرجع امنیت، در آرا و اندیشه امام(ره) وجهه‌ای ترکیبی و چندگانه دارد و جامعه، رژیم و دولت را شامل می‌شود. این مراجع، رابطه‌ای تعاملی و دیالکتیکی با یکدیگر دارند.

فهرست منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. _____ (۱۳۷۳)، *کلمات قصار پندها و حکمت‌ها*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۴. _____ (۱۳۸۱)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. _____ (۱۳۷۸)، *وصیت‌نامه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. _____ (۱۳۷۴)، *شئون و اختیارات ولی فقیه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. روحانی، حسن (۱۳۷۶)، *انقلاب اسلامی ریشه‌ها و چالش‌ها*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. سالار، محمد (۱۳۸۵)، «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی»، *اندیشه انقلاب*، ش ۶.
۹. کریمی مله، علی (۱۳۸۴)، «شناسایی مرجع امنیت در رویکرد امنیت ملی امام خمینی»، *مطالعات راهبردی*، سال ۸، ش ۴.